



گزارشها

## سمینار «توسعه منطقه دریای خزر» در پاریس

سمینار یک‌روزه‌ای تحت عنوان «توسعه منطقه دریای خزر»<sup>۱</sup> در تاریخ ۷۵/۱۲/۸ با شرکت نمایندگانی از کشورهای ساحلی دریای خزر و با حضور محققان و شخصیت‌هایی از اروپا در پاریس برگزار گردید. ذیلاً چند نکته در مورد این سمینار مطرح می‌گردد:

۱. برگزارکننده سمینار آکادمی علوم دیپلماتیک فرانسه بود که بیش از دو‌یست سال سابقه داشته و با پرداخت حق عضویت کشورهای مختلف و کمک دولت فرانسه اداره می‌گردد. این آکادمی در یک ساختمان با قدمت ۵۰۰ سال در قلب پاریس واقع و از شهرت مناسبی در میان کشورهای فرانکوفون برخوردار است. سمینار توسط خانم بودار<sup>۲</sup>، دبیر آکادمی علوم دیپلماتیک فرانسه گشایش یافت.

۲. علت پرداختن به چنین موضوعی علاوه بر دلایل علمی از جمله شناخت منطقه ناشناخته‌ای چون دریای خزر، سیاست جدید فرانسه مبنی بر حضور هرچه بیشتر در کشورهای مشترک‌المنافع بازمانده از شوروی سابق است. فرانسه احساس می‌کند که تأخیر ۷ ساله‌ای نسبت به رقبای خود یعنی آمریکا، آلمان و ژاپن در مورد حضور شرکت‌های دولتی و خصوصی در این منطقه داشته و مایل است که این فاصله را کم نماید. به همین دلیل حضور فزاینده شرکت‌های فرانسوی خصوصاً شرکت‌های نفت و گاز و سرمایه‌گذاری محسوس است. در جریان دیدار حیدر علی‌اف رئیس‌جمهوری آذربایجان از پاریس با تشریفات زیاد در کاخ الیزه، قرارداد مربوط به اکتشاف در حوزه نفتی لنکران - تالش توسط شرکت ال‌ف<sup>۳</sup> و با مشارکت

1. Le Developpement De La Region De La Mer Caspienne

2. Bodart

3. ELF



شرکت توتال امضاگردید. «الف» ۶۵ درصد سهام، «سوکار» شرکت ملی نفت آذربایجان<sup>۱</sup> ۲۵ درصد و شرکت «توتال» ۱۰ درصد سهام را در اختیار خواهند داشت. برای فرانسه که سالهاست بدنبال کشف منابع جدید برای فعالیت شرکتهای نفت و گاز خود است این قرارداد حائز اهمیت است خصوصاً که منابع آذربایجانی به فرانسویها گفته‌اند که ذخایر این حوزه نفتی ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون تن است و شرکت «الف» معتقد شده است که در این صورت فرانسه همپای نروژ و انگلستان از تولیدکنندگان بزرگ نفت اروپا خواهد شد.

اما از طرف دیگر اطلاعات رسیده به شرکتهای فرانسوی حاکی از آن بوده است که دستیابی به ذخایر نفتی در این منطقه به معنای دسترسی آسان به منافع اقتصادی درازمدت نیست؛ بلکه مسائل امنیتی، سیاسی و اجتماعی در جمهوریهای بازمانده از شوروی روندهای اقتصادی را تحت الشعاع قرار داده و همچنان مشکل هویت، شناسایی و مبارزات قومی و ملی در منطقه به شدت وجود داشته و در زمینه خاص نفت و گاز معضل صدور و رساندن آن به بازارهای جهانی حل نشده است.

از این رو فرانسویان به دنبال کسب اطلاعات و اخذ رایزنی و مشورت از متخصصان و مسئولان کشورها بودند. این سمینار که با دعوت از مسئولان کشورهای حاشیه دریای خزر و همچنین مدیران شرکتهای فعال در زمینه انرژی و حقوقدانان و استادان تشکیل شد، احتمالاً به دنبال آن بود که نتایج حاصل از سخنرانیها و اظهارنظرها را در اختیار دولت فرانسه و شرکتهای دولتی «الف» و «توتال» و دیگر شرکتهای فرانسوی قرار دهد.

۳. موضوعات مطرح شده در سمینار متعدد و متفاوت بود. اما خلاصه چند دیدگاه در

زیر آورده می‌شود:

I- کلیه سخنرانان بر این نکته تأکید داشتند که بدون تردید طبیعی‌ترین، اقتصادی‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای صدور نفت و گاز منطقه دریای خزر، مسیر ایران خصوصاً خلیج فارس است. «منتسکیو»<sup>۲</sup> معاون کمیسیون سیاست خارجی پارلمان فرانسه و از نزدیکان آقای شیراک در صحبت خود گفت: «این منطقه از دیرباز محل تجارت بوده است و اکنون اگر نقش شایسته را در بازرگانی جهانی ایفا نمی‌نماید، به مسئله انزوای ایران برمی‌گردد. سیاستهای آمریکا در اعمال انزوا بر ایران باعث گشته است که توسعه و رشد اقتصادی در منطقه دریای خزر کند

1. SOCAR

2. Montesquiou

گردد. بنابراین فرانسه به لحاظ سابقه حضور در قفقاز در قبل از انقلاب روسیه برای فعالیت مجدد در منطقه می‌باید دو سیاست را پیگیری نماید. اول، به کمک سازمان ملل متحد و سازمان همکاری و امنیت اروپا<sup>۱</sup> از بروز هرگونه درگیری جدید در منطقه جلوگیری نماید و دوم فرانسه تلاش نماید تا هرچه زودتر سیاست انزوای ایران از بین رفته و از ظرفیتهای این کشور بزرگ استفاده گردد. در غیراین صورت، سناریوهای دیگر حمل و نقل نفت و گاز باید بررسی گشته که بدون شک، هزینه‌های بیشتری را به شرکتها تحمیل می‌نماید.

«منتسکیو» معاون کمیسیون سیاست خارجی پارلمان فرانسه در سخنرانی خود به توافق فرانسه و جمهوری آذربایجان برای بهره‌برداری از منابع نفت دریای خزر نیز اشاره نمود. در جلسه صبح، «خلف‌اف» رئیس اداره معاهدات وزارت خارجه جمهوری آذربایجان، «یوسف‌زاده» معاون شرکت ملی نفت آذربایجان و نیز «میشل هونو»<sup>۲</sup> رئیس گروه دوستی فرانسه - آذربایجان در مجلس ملی پس از «منتسکیو» سخنرانی‌های خود را ایراد نمودند.

II- برخی از سخنرانان بر نقش ایران در ایجاد صلح و ثبات در منطقه تأکید کردند. «ویلی ویمر»<sup>۳</sup> معاون پارلمان سازمان همکاری و امنیت اروپا در سخنان خود از وضعیت انفجارآمیز منطقه سخن گفت. وی یادآور شد: «در چند روز گذشته رئیس جمهور تاتارستان، استقلال جمهوری چین را به رسمیت شناخته است و تا چند روز دیگر چین، استقلال تاتارستان را به رسمیت می‌شناسد. با توجه به وضعیت قره‌باغ که ناشی از تجاوز ارمنستان است، مسئله آبخازی، وضعیت تاجیکستان، تحركات روسها در روسیه سفید و قزاقستان، و وضع افغانستان متوجه می‌شویم که کل منطقه در حالت انفجار قرار دارد و در این حالت است که اهمیت ایران را درک می‌کنیم. ایرانی که مانند همسایگانش وضعیت انفجارآمیز ندارد. ما در سازمان همکاری و امنیت اروپا تصویب کرده‌ایم که با ایران همکاری کنیم. در این زمینه من با مقامات ایرانی صحبت کرده‌ام. اولین همکاری در ماه سپتامبر در جلسه‌ای که سازمان همکاری و امنیت اروپا در تاشکند برگزار خواهد کرد متجلی خواهد شد». آقای «ویمر» اظهار امیدواری کرد که با بهبود شرایط ثبات و امنیت در منطقه، همکاری‌های گسترده‌تری بین اروپا و حوزه خزر برقرار شده از طریق خزر ارتباطات حمل و نقلی آسیا تا اروپا برقرار گردد.

III- در مورد نظام حقوقی دریای خزر بحث فراوان انجام گرفت. مهمترین دیدگاه از

1. OSCE

2. Hunault

3. Willy Wimmer

طرف پرفسور پل تاورنیه<sup>۱</sup> متخصص حقوق دریاها و استاد دانشگاه پاریس بیان شد. تاورنیه نظرات خود را در مورد خزر چنین بیان کرد: «گرچه کنوانسیون ۱۹۸۲ می‌تواند منشاء الهام برای دست یافتن به یک راه‌حل باشد، اما مذاکرات طولانی خواهد بود و بهترین راه نشستن و صحبت کردن کشورهای ساحلی در چارچوب همکاری‌های منطقه می‌باشد». وی استاد مسلم حقوق بین‌الملل است و نظرات وی به‌عنوان مرجع قضاوت از طرف مجامع بین‌المللی استفاده می‌شود. هم او بود که در ۱۹۸۵ اول‌بار با استناد به اصول حقوق بین‌الملل حرکت نظامی عراق بر علیه ایران را یک تجاوز آشکار خواند که بعدها همین اظهارنظر مستند دبیرکل ملل متحد، خاویر پرزدو کوئیار قرار گرفت. او در صحبت خود گفت: «مدت دو سال است که بر روی وضعیت حقوقی دریای خزر تحقیق می‌کنم و حتی بخاطر آن به ایران رفتم و در سواحل خزر مدتها قدم زدم و راجع به این موضوع فکر کردم. رژیم حقوقی خزر مربوط به این موضوع می‌گردد که اساساً آیا این مخزن آبی دریاست یا دریاچه؟ اهمیت این موضوع از آن روست که اگر ثابت شود این حوزه، یک دریاست، آنگاه می‌توان با استناد به کنوانسیون حقوق دریاها از نظریه تقسیم‌جانبداری کرد. من به کنار سواحل ایرانی این دریا رفتم. موجهای بلندی داشت. آب شور بود؛ اما من احساس آن که کنار دریا هستم را نداشتم. بنابراین مشخصاً باید گفت که این یک دریاچه بزرگ است.

تعاریف جغرافیایی و حقوقی دریا می‌باید با هم یکسانی داشته باشند و هر دو در دریای خزر به ما می‌گویند این دریاچه است.

براساس مطالعات زمین‌شناسی، صدهزار سال پیش دریای خزر به دریای سیاه و مدیترانه متصل بوده است. اما به لحاظ حقوقی من تحقیق کردم. یک ابهامی در این مورد وجود دارد. بعضی‌ها از دریای بسته صحبت می‌کنند؛ بنابراین قوانین دریاها را به آن اعمال می‌کنند و برخی آن را دریاچه می‌گویند».

تاورنیه در بخش پایانی سخنرانی خود اظهار داشت: «مذاکرات جالب بود و نشان داد از نقطه نظر دیپلماتیک، باید بدانیم دریای خزر دریاست یا دریاچه. تحول در مواضع به وجود آمده، مواضع طرفهای ذینفع نسبت به دو سه سال پیش خیلی سخت نیست. همه طرفها انعطاف دارند و شرایط نشان می‌دهد که مذاکرات پیشرفتهایی داشته است. این نگرشهای

1. Poul Tavernier



مثبت نشانه امیدبخشی است. برخی از نمایندگان کشورهای ساحلی دریای خزر اصرار داشتند که مشکلات را داخل پرانتز بگذارند و این که وقتی دیپلماتها برخی از مشکلات حقوقدانها را کنار می‌گذارند نشانه خوبی است.

دریا یا دریاچه، بالاخره باید سر این موضوع به توافق رسید. چرا که تبعات دارد و دولتها باید به تبعات آن گردن بگذارند».

در جلسه بعد از ظهر این سمینار ابتدا سفیر قزاقستان در پاریس نظرات و مواضع کشور خود را بیان کرد. وی اظهار داشت که کشورش از مذاکرات و پیشرفت آن مابین پنج کشور ساحلی خرسند است و امیدوار است که بزودی یک کنوانسیون در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر تهیه گردد. در جلسه اخیر مابین وزرای خارجه پنج کشور حاشیه دریای خزر، گروههای کاری تشکیل شده که به صورت منظم فعالیت می‌نمایند. به نظر قزاقستان مناسب است که این دریا برای تجارت آزاد بوده و ماهیگیری و استفاده از دیگر منابع طبیعی با صدور مجوز آزاد باشد. وی در نهایت نتیجه‌گیری کرد که پیمان منعقد بین شوروی و ایران در ۱۹۲۱ می‌تواند اساس توافق برای رسیدن به حداکثر منافع برای کشورهای ساحلی باشد.

سپس، نماینده دولت روسیه نظرات کشورش را در مورد رژیم حقوقی دریای خزر بیان کرد. وی اظهار داشت که کنوانسیون حقوق دریاها مربوط به سال ۱۹۸۲ به صورت خود کار نمی‌تواند بر وضعیت دریای خزر منطبق باشد. وی ادامه داد: «من نگرانی ایران در مورد محیط زیست دریای خزر را کاملاً بجا و درست می‌دانم». همچنین ابتکار ایران در مورد تشکیل سازمان همکاری‌های کشورهای ساحلی دریای خزر را تأیید کرده و معتقد هستیم که تمامی مشکلات می‌تواند در چارچوب این سازمان حل و فصل گردد.

آنگاه سفیر ترکمنستان در ارتباط با مسائل مربوط به کشورش اظهار داشت: «ترکمنستان طرحهای متعددی برای فعالیتهای اقتصادی در دست دارد که بیشتر آنها با همکاری ایران و ترکیه تأمین می‌شود. ترکمنستان عقیده دارد تا زمانی که مذاکرات برای رژیم حقوقی دریای خزر به نتیجه نرسیده است، همچنان قرارداد ایران و شوروی سابق در ۱۹۲۱ معتبر است. بنابراین، کشورها نباید دست به اقدامات یکجانبه بزنند».

در مجموع سمینار مزبور از لحاظ محتوا و شکل برگزاری گردهمایی مثبت و سودمندی ارزیابی می‌شود.



## همکاری‌های بین‌المللی برای توسعه منابع نفت و گاز خزر: دیدگاه ایران\* سیاست منطقه‌ای ایران

به دنبال تحولات در آسیای مرکزی، ایران خود را با چند مسئله روبرو دید. در درجه نخست بازیابی استقلال و آزادی توسط این کشورها موجب شد آنها با مسرت به جایی که به آن تعلق داشتند - خانواده کشورهای آزاد آسیایی - بازگردند. این بازگشت حسرتی را که سالیان دراز در دل مردمان منطقه ایجاد شده بود فرو نشاند.

مراودات دیرین دوباره برقرار شد و منطقه رنگ و بویی از تحرک، پویایی و حیات گرفت. مردم ایران با مردم بعضی از این کشورها قرابت خانوادگی نزدیک داشتند که رفع موانع اجازه داد خانواده‌ها بتوانند بار دیگر به یکدیگر بپیوندند.

به این ترتیب نخستین مسئله‌ای که برای ایران پیش آمد ترمیم احساسات و عواطفی بود که سالیان دراز در اثر قطع روابط و مناسبات جریحه‌دار گشته بود.

متأسفانه همه پیامدهای استقلال مثبت نبود. دهه‌های متوالی سرکوب احساسات ملی و اعتقادات مردمی و مدتی مدید دخالت نابجا در جابجایی قومیتها و ملیتها موجب شده بود در بازگشت به حیاتی دوباره، خواسته‌هایی از آن سو افراط‌آمیز خطر ناآرامی و بی‌ثباتی در منطقه را پیش آورد. احساسات ملی و قومی چه در اوضاع داخلی و چه در مناسبات خارجی آنها با هم تشنجات و ناآرامی‌هایی را در پی داشت. جنگ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان، جنگ داخلی در گرجستان، تاجیکستان، مسائل ملیتها و قومیتها در ازبکستان، قزاقستان و در نواحی جنوبی روسیه - همه می‌توانست موجبات بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه را فراهم آورد. دومین وظیفه و مسئولیتی که ایران برای خود می‌دید کمک به تثبیت ثبات و امنیت در منطقه بود. جمهوری اسلامی ایران که همزمان با آغاز استقلال جمهوری‌ها خود مرحله‌ای طولانی از جنگ و گرفتاری را پشت سر گذارده بود و با پیامدها و مصائب آن به‌طور ملموس آشنایی داشت ضرورت عاجلی را برای تعقیب سیاست صلح و جلوگیری از جنگ درک می‌نمود. در سالهای اخیر یک جنبه مهم دیپلماسی ایران در آسیای مرکزی، مبادرت مثبت و فعالانه به اقدامات صلح‌گسترانه و امنیت بخش در منطقه بوده است. سیاست صلح‌آمیز ایران در آسیای مرکزی طیف وسیعی از اقدامات، از میانجیگری در منازعات و اختلافات و جنگها گرفته، تا دعوت به سازش و مصالحه از طریق گفتگو، اعطای کمکهای مالی و انسانی در جهت تخفیف تشنجات، پذیرش آوارگان و رانده‌شدگان، مشارکت و بزرگاری کنفرانسهای صلح را دربر می‌گیرد.

\* متن سخنرانی آقای عباس ملکی معاون آموزشی و پژوهشی وزارت امور خارجه که در سمینار «توسعه منطقه دریای خزر» در پاریس ایراد شده است.

به‌رحال اقدامات صلح‌آمیز در آسیای مرکزی تا حدود زیادی نتیجه‌بخش بوده است و امروز وضعیت از لحاظ امنیت و ثبات با وضعیت در یکی دو سال قبل به کلی متفاوت است. همراه با بهبود بیشتر اوضاع و شرایط در منطقه، تقویت پایه‌های استقلال و تحکیم بیشتر میانی دموکراتیک و کاسته شدن از موانع و مشکلات اقتصادی، امید می‌رود شرایط صلح و آرامش در منطقه از آنچه امروز هست نیز بهتر شود.

رویه ایران در تعقیب سیاست صلح که با «سیاست آسیای میانه‌ای جمهوری اسلامی ایران» آغاز شد اینک شکل یک رویه عمومی و کلی در دیپلماسی ایران را به خود گرفته به نحوی که ایران در اغلب امور و مسائل در مناسبات کشورها معتقد به حل صلح‌آمیز و مسالمت‌جویانه اختلافات، معتقد به گفتگو و مذاکره میان طرفها، و کمک گرفتن از تدابیر صلح‌آمیز بین‌المللی توسط سازمان ملل یا سازمانهای منطقه‌ای است. مشارکت مؤثر و مثبت وزیر امور خارجه ایران در اقدامات میانجیگریانه کاهش تنشج در بحران خاورمیانه از وسعت‌گیری دامنه تلاشهای صلح‌خواهانه ایران در مسائل و امور منطقه‌ای و بین‌المللی حکایت دارد.

### سیاست توسعه اقتصادهای ملی و منطقه‌ای

به لحاظ اقتصادی، تحولات در آسیای مرکزی فرصتهای جدیدی را پیش روی ملل این منطقه گشود. جمهوری اسلامی ایران تأمین منافع بهتر و بیشتر برای خود را با استفاده از این فرصت در تعقیب سه سیاست می‌داند:

۱. کمک به برنامه توسعه اقتصاد ملی کشورها، در سطح ملی و دوجانبه
  ۲. کمک به توسعه اقتصاد منطقه‌ای از طریق تأسیس همکاری‌های منطقه‌ای و تلاشهای بین‌الدولی جمعی
  ۳. کمک به ازدیاد مراودات تجاری و اقتصادی و همکاری‌های منطقه با دیگر کشورها، تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاری خارجی در این منطقه
- احداث جاده‌های مواصلاتی، راه و راه‌آهن، پلها، گذرگاهها، گمکات، شعب بانکها یک جنبه از تلاشهای ایران در چارچوب این سیاست است. ایجاد خطوط انتقال نفت و گاز، توافق بر سر خرید و صدور نفت جمهوری‌ها، مشارکت در همکاری‌های بین‌المللی برای اکتشاف و استخراج منابع نفتی، و مشارکت در احداث پالایشگاه و تأسیسات نفتی در جمهوری‌ها از جمله دیگر فعالیتهای ایران در تعقیب سیاست کمک به توسعه اقتصادی منطقه است. در مقیاسی وسیع‌تر و اساسی‌تر، ایران مشوق توسعه اشکال مختلف همکاری‌های منطقه‌ای در آسیای مرکزی است. سازمان همکاری اقتصادی (اكو)، سازمان همکاری کشورهای ساحلی دریای خزر (کاسکو)، سازمان همکاری، امنیت و ایجاد اعتماد متقابل در آسیا در زمره تشکیلات منطقه‌ای هستند که ایران هدف صلح و توسعه منطقه‌ای در آسیای مرکزی را از

طریق آنها دنبال می‌کند. ایران بیش از هر زیرمجموعه منطقه‌ای خود را به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نزدیک و وابسته می‌بیند و به همین خاطر بین منافع اقتصادی خود با منافع اقتصادی منطقه‌ای قائل به ارتباط و پیوستگی شدید می‌باشد.

با این ملاحظات سیاست اصلی و اساسی ایران در منطقه کمک به صلح و ثبات، و کمک به تقویت مبانی رشد و توسعه اقتصادی در منطقه است.

ایران بارها چه در فوروم‌های اقتصادی بین‌المللی، چه در گفتگوهای دیپلماتیک، چه در نشست اجلاسهای بین‌المللی و منطقه‌ای، از سازمانها، صاحبان کار و سرمایه‌گذاران بین‌المللی دعوت کرده است که در امر توسعه منطقه آسیای مرکزی شرکت نمایند.

ایران وعده کرده است تسهیلات و امکاناتی در اختیار اینگونه سرمایه‌گذاری‌ها قرار دهد. ایران بارها عملاً نشان داده آماده است در پروژه‌های بین‌المللی که هدفشان کمک به توسعه امکانات اقتصادی منطقه است مشارکت جوید. هنوز هم دعوت ایران برای مشارکت فعالانه با طرفهای ثالث در امور مختلف سازندگی و سرمایه‌گذاری در جمهوری‌ها و ارائه خدمات برای این نوع همکاری‌ها باقی است.

در بحث بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر، دیدگاه ایران از مواضع و سیاستهای برشمرده شده اصولی فوق‌جدا نیست، اما در این زمینه برای ایران ملاحظات و وجود دارد که موضوع یک مقدار تفاوت می‌یابد.

### رژیم حقوقی دریای خزر

در باب رژیم حقوقی دریای خزر مسئله اصلی برای ایران، تنها مسئله‌ای که روی آن اصرار دارد و خواهد داشت، روشن شدن تکلیف حقوقی این دریاست. همچنانکه ماهیت کشورهای آسیای مرکزی سالهای سال برای جامعه جهانی ناشناخته بود و این جمهوری‌ها جوامعی در قلب یک منطقه دور و غیرقابل دسترس به نظر می‌آمدند. وضعیت دریای خزر هم این چنین بود. جدایی و مرزبندی دو دنیای سرمایه‌داری و کمونیسم، و تلاقی نقطه رویارویی دو بلوک شرق و غرب در سرحدات شمالی ایران با یکدیگر در دوران جنگ سرد سکوت و بلاتکلیفی ناراحت‌کننده‌ای را در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر به ایران تحمیل می‌نمود. در خاتمه جنگ سرد وقتی با تحول در اوضاع جهانی و تغییر در سیستم بین‌المللی موانع از میان برداشته شد، وقتی دریای خزر از یک دریای بسته و مرده به یک دریای بین‌المللی فعال بدل گشت، بررسی و توافق جدیدی در مورد وضع حقوقی دریای خزر ضروری می‌نمود. مسئله برای ایران در این زمان تحمیل رژیم خاصی در دریا نبود؛ بلکه ایران مترصد روشن شدن تکلیف آن براساس توافق و تفاهمی میان همه کشورهای ساحلی بود.

مسئله‌ای که اساساً مورد توجه ایران بود این بود که ابهامی که سالیان دراز به دلیل شرایط سیاسی جهان بر وضعیت این دریا حاکم بود از میان برود. بحث محتوایی فرع بر اصل



ماجرا قرار داشت. از نظر محتوایی رژیم حقوقی دریای خزر قطعاً باید چیزی باشد که با اصول و معیارهای بین‌المللی، خصوصاً با قوانین دریاها و آبهای بین‌المللی بخواند. رژیم حقوقی دریای خزر همین‌طور باید وضعیت خاص این دریا را مورد توجه داشته باشد.

مسئله مهم این است که بر هر اساس که توافق شود حدود و اختیارات و صلاحیت دولتها در دریا روشن و مشخص گردد. ما هم مثل جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، و قزاقستان خواهان توسعه بهره‌برداری از منابع دریای خزر و اعتلا و رونق اقتصادی منطقه هستیم و برای اینکه دستیابی به توافقی را در این زمینه تسهیل کنیم در مذاکراتی که تاکنون جریان داشته همواره نظر متعادلی را بین نظرات متفاوت و دور از هم جمهوری‌ها از یک‌سو و روسیه از سوی دیگر توصیه می‌کرده‌ایم.

در بحثی به این مهمی انتظار اینکه نظرات همه طرفها یکی و مشابه باشد انتظاری دور از واقع‌بینی است؛ اما روی یک مورد می‌توان اتفاق نظر را انتظار داشت که کشورها در باب این مسئله مطابق ضوابط و اصول بین‌المللی رفتار نمایند. یکی از اصولی که به نظر ما لازم است مراعات شود این است که اساساً هیچ کشوری به خود اجازه ندهد تعبیر دلخواهی از رژیم حقوقی دریا نموده و براساس آن تعبیر به اقدامات یکجانبه‌ای در دریا مبادرت بورزد.

خزر اکنون پس از خلیج فارس می‌رود که به دومین حوزه نفت‌خیز مهم عالم مبدل شود. علاوه بر نفت و گاز منافع دیگری هم برای دول ساحلی در رابطه با سایر منابع ارزشمند آن در میان است. مسئله محیط‌زیست در دریای خزر فوق‌العاده حائز اهمیت است. تضمین سلامت وضعیت محیط زیست دریا قطعاً به یک نظارت مشترک بین‌الدولی توسط کشورهای ساحلی در چارچوب کمیسیون ویژه متشکل از نمایندگان دول ساحلی نیاز دارد. مسئله اقتصاد کرانه‌ای، مسئله ماهیگیری، کشتیرانی و مشکل بالا آمدن آب، همه مسائل و موضوعات مهم و حساسی هستند که به منافع ملی و جمعی خزر ارتباط تنگاتنگ می‌یابند. شما هیچ دریایی را در عالم نمی‌توانید سراغ کنید که از نظر محیط‌زیستی این‌قدر ضربه‌پذیر باشد، از نظر غنای منابع و ثروتهای آن این اندازه اهمیت داشته باشد، ولی تکلیف حقوقی آن روشن نباشد. تعیین وضعیت حقوقی دریای خزر چنانچه دولتهای ساحلی بخواهند از برخورد منافع در این دریا پرهیز نمایند امری ضروری است.

من دعوت ایران را از دیگر کشورهای ساحلی برای از سرگیری مذاکرات در این خصوص تکرار می‌کنم. ایران براساس استراتژی همکاری صلح‌آمیز خود در آسیای مرکزی هدفش تثبیت صلح و آرامش در منطقه و به اتکای آن سازندگی و بهبود وضعیت اقتصاد ملی و منطقه‌ای است.

دیدگاه ما در مسائل دریای خزر از همین استراتژی تبعیت می‌کند. به نظر ما دریای خزر باید به یک دریای بین‌المللی فعال و پویا، در همه زمینه‌ها - کشتیرانی، بهره‌برداری از منابع، فعالیتهای شیلاتی، فعالیتهای سیاحتی و توریستی - مبدل شود و در عین حال مسائل محیط‌زیستی آن به دقت مورد ملاحظه قرار گیرد.